تأثیر شاخص درک فساد مالی بر رشد اقتصادی بر اساس تفکیک بین کشوری در حوزه‌ی آزادی اقتصاد با روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)

سهراب دل انگیزان[۱]
محمد شریف کریمی[۲]
زینب خالوندی[۳]

دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۱۷

چکیده

مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های تلفیقی شاخص درک فساد مالی، شاخص نشان‌دهنده‌ی آزادی اقتصادی و نرخ رشد اقتصادی، تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی را در قالب یک مدل پانل دیتای پویا به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، در نمونه‌ی ۱۵۶تایی از کشورهای جهان و در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰- ۲۰۱۱ بررسی نموده است. نتایج در رابطه با دسته‌بندی کشورها نشان می‌دهد که در کشورهای با آزادی اقتصادی بالا، رابطه‌ی شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی مثبت به‌دست آمده است، اما در گروه‌های با آزادی اقتصادی متوسط و پایین، رابطه‌ی شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی منفی برآورد شده است. همچنین نتایج توسط متغیر پایداری در سیاست‌های کنترل فساد نیز قابل مشاهده است طوری‌که در گروه‌های اول، پایداری در سیاست‌های کنترل فساد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته اما در گروه‌های دوم و سوم، این پایداری به زیان رشد اقتصادی بوده و باعث کاهش آن شده است.

واژگان کلیدی: فساد اداری، رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی، پانل دیتای پویا، GMM.
طبقه بندی JEL: O40 ، D73، C23.

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)، Email: delangizan@razi.ac. ir
۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، Email: sharifkarimi@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، مدرس دانشگاه پیام نور، Email:zeinab_khalvandi@yahoo.com

۱. مقدمه

فساد مشکل قدیمی است که فلاسفه، اقتصاددانان، علمای سیاسی و سیاستگذاران از قرن ۴ قبل از میلاد با آن درگیر بوده‌اند. هرچند، افزایش در حجم پژوهش در مورد علل و عواقب فساد با اوج آن در دهۀ ۱۹۹۰ و لحظه‌ی تداوم آن در دهۀ ۲۰۰۰ نسبتاً تازه است. اینکه این زمانبندی همزمان با اصلاحات لیبرالیسم و جهانی‌سازی سریع می‌باشد شگفت‌آور نمی-باشد زیرا فساد زمانی که سرعت گشایش بازار نسبت به سرعت توسعه بنیادی که برای بررسی نارسائی‌های بازار لازم بوده و یا هزینه‌های معامله سریع‌تر است، گرایش به رُشد دارد. دانشمندان، سیاستگذاران و مجریان در مقابل این سابقه در اقدام سخت مشارکت داشته تا علل و عواقب فساد را درک نموده و مداخلات سیاسی را پدید آورند که وقوع آنرا کاهش دهند. این اقدام موجب حجم زیاد کار با مؤلفه معناداری شده که به بررسی تأثیر فساد بر رُشد اقتصادی می‌پردازد؛ هرچند، تفاوت در متدلوژی، منابع داده و گروه‌بندی‌های کشوری که با حجم گسترده‌ای از کار تلفیق می‌شود منجر به سطح گسترده‌ای از عدم تجانس شده و برای سیاستگذاران و پژوهشگران امکان تشابه در دستیابی به برآوردهای تلفیقی تأثیر فساد بر رُشد اقتصادی را دشوار می‌کند. اما موضوع اساسی این است که در هیچ یک از مطالعات صورت گرفته به نتیجه‌ی قاطعی در این‌باره اشاره نشده است. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از دسته‌بندی‌های صورت گرفته در بین کشورهای جهان بر اساس شاخص دانش اقتصادی، شاخص توسعه‌ی انسانی و شاخص آزادی اقتصادی[1] که از شاخص‌های مهم در رابطه با رتبه‌بندی کشورها هستند، به نتیجه‌ی دلخواه دست یابیم. هرچند هنوز هم معمای تأثیر شاخص درک فساد بر رشد اقتصادی، بی‌پاسخ خواهد ماند اما این پژوهش با بیان نکات ظریفی در باب تقسیم‌بندی کشورها، سعی می‌کند تا زوایای جدیدی از این موضوع را آشکار نماید.

تحقیقات آنالیز شده در این بررسی سیستمی بیانگر دو نوع فساد می‌باشد؛ سوء استفاده از اداره دولتی با کارمندان/ بروکراسی دولتی (فساد بروکراتیک)؛ و سوء استفاده از اختیارات سیاسی توسط تصمیم‌گیرندگان سیاست در سطح کلان مانند وزرا، مقامات وزارت و نمایندگان سیاسی در سطح مرکزی یا محلی دولت (فساد سیاسی) هر دو نوع با توصیف

1. Economic Freedom

فساد به عنوان مسئله عامل به رئیس بدلیل اطلاعات نامتقارن و یا قدرت میان رئیس و عامل تطابق دارد.

ویژگی مشترک اکثر مطالعات، اثرات مبهم فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف بوده است که این ویژگی باعث شده است تا در این زمینه‌ی تحقیقی، همچنان سؤالاتی مطرح باشد که هنوز به طور کامل پاسخ داده نشده است. از آنجایی که میزان آزادی اقتصادی کشورها مسئله‌ی مطرحی در میزان فساد مالی کشورها است؛ در پژوهش حاضر سعی شده است تا بر اساس دسته‌بندی کشورها بر اساس این شاخص، ابهامات موجود در این زمینه رفع گردد.

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصیشان است که از طریق قانونی به‌دست آورده‌اند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج ، از آنجا که آزادی به عنوان "نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل" است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می باشد، می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت "نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات" تعبیر کرد(جانسون و همکاران، ۱۹۹۹).

شاخص آزادی اقتصادی به صورت یک میانگین ساده از ده شاخص دیگر (آزادی) محاسبه می‌شود. این ده شاخص به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که هم روابط و عملکرد خارجی[1] کشورها را مدنظر قرار می‌دهند و هم به عملکرد و وضعیت داخلی[2] کشورها می‌پردازند. در شاخص آزادی اقتصادی تلاش شده است به میزان استقلال و آزادی افراد در مقابل دولت و سایر تشکل‌های سازمان‌یافته پرداخته شود. فردی آزاد تلقی می‌شود که به صورت کامل نسبت به نیروی کار (خود) و مایملک خود کنترل داشته باشد. به عبارت دیگر تلاش شده شاخص آزادی اقتصادی کلیه آزادی‌ها و حقوق تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات را در بر بگیرد.

1. External
2. Internal

۱۰حوزه‌ی مورد استفاده برای محاسبه این شاخص عبارت‌اند از: ۱. آزادی کسب‌وکار[۱]، ۲. آزادی تجارت[۲]، ۳. آزادی مالی[۳]، ۴. اندازه دولت[۴]، ۵. آزادی پولی[۵]، ۶.آزادی سرمایه‌گذاری[۶]، ۷.آزادی (بازار) مالی[۷]، ۸.حقوق ملکیت[۸]، ۹.آزادی از فساد[۹]، ۱۰.آزادی (نیروی) کار[۱۰].

این مقاله در ادامه بدین صورت سازماندهی شده است که در قسمت نخست مبانی نظری و مدل مفهومی پژوهش آورده شده و سپس مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در رابطه با فساد مالی و رشد اقتصادی بیان شده است، در بخش سوم با ارائه روش تحقیق مناسب به بیان یافته ها و نتایج اولیه پرداخته شده و در انتها نتایج حاصل از پژوهش بیان شده است.

اهداف پژوهش حاضر عبارتند از: ۱)به دست آوردن رابطه بین شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی. ۲)چگونگی تأثیرگذاری آن در کشورهای مختلف بر اساس دسته‌بندی خاص. در نهایت این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات زیر است: ۱)آیا فساد مالی بر رشد اقتصادی تأثیر دارد؟ ۲)در صورتی که فساد مالی بر رشد اقتصادی مؤثر باشد این تأثیر چگونه است؟ مثبت است یا منفی؟ ۳)آیا تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی در تمام کشورها یکسان است؟ ۴)در صورت تفاوت اثرگذاری در کشورهای مختلف، این تأثیر به چه صورت است؟ و چرا؟

۲. مبانی نظری

در رابطه با تعریف فساد می‌توان عنوان داشت: فساد را شامل اقدامات نفع طلبانه‌ی سیاست‌مداران، تجّار و مستخدمان دولتی می‌دانند که به طریق ناشایست و غیرقانونی و با

3. Business Freedom
4. Trade Freedom
5. Fiscal Freedom
6. Government Size
7. Monetary Freedom
8. Investment Freedom
9. Financial Freedom
10. Property Rights
11. Freedom From Corruption
12. Labor Freedom

سوءاستفاده از مقام/شغل دولتی و خصوصی صورت می‌گیرد (لهو و کبوی[1]، ۲۰۰۵). فساد اقتصادی و سیاسی فزاینده در بسیاری از کشورها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک متفاوت مشاهده می‌شود. گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل[2] حاکی از آن است که هیچ کشوری در دنیا عاری از فساد مالی نیست و در تمامی جوامع چه دموکراتیک و چه اقتدارگرا نوعی فساد مشاهده شده است اما تفاوت معناداری بین درجه فساد در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. برخی محققان، فساد مالی را از نظر رفتاری، سوءاستفاده از نیروهای عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌کنند.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (رابطه فساد-رشد : کانال های مکانیزم علّی).

منبع: یافته های پژوهشگر

مکانیزم‌های علّی و کانال‌های انتقال در رابطه‌ی فساد- رشد که توسط شکل شماره ۱ نمایش داده شده است:

کیفیت حکومت یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر گسترش و یا کاهش فساد مالی است بطوریکه گری بیکر[3] برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد، دولت را ریشه‌ی فساد می‌داند و معتقد است که تنها با حذف دولت می‌توان فساد را ریشه کن کرد، اما با نگاهی به وضعیت

1. Lho, K. and Cabuay, J
1. Trancparency International
2. Becker, Gary

کشورهای کانادا، دانمارک، فنلاند، سوئد، هلند با شفافیت بالا ملاحظه می‌شود که دولت از اندازه‌ی بزرگتری برخودار است (تانزی[1]، ۱۹۹۸) لذا نحوه‌ی عملکرد و چگونگی فعالیت‌های دولتی است که بسیار حائز اهمیت است نه صرفاً حضور دولت.

یکی دیگر از کانال‌هایی که فساد می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد، سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی است. اثر سرمایه‌گذاری القایی (تشویقی) فساد بر رشد ممکن است بعنوان یکی از نتایج زیر اتفاق بیفتد:

افزایش هزینه‌ی سرمایه‌گذاری و در نتیجه سرمایه‌گذاری کمتر

اجازه‌ی سرمایه‌گذاری سریعتر و در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر

افزایش غیر مستقیم هزینه‌ی تولید

عدم اطمینان بیشتر درباره‌ی بازگشت بازده‌ی سرمایه‌گذاری

همچنین فساد ممکن است از طریق مخارج سرمایه‌گذاری عمومی بر رشد تأثیر بگذارد. این اثر ممکن است ناشی از انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی ناسازگار یا تورش‌دار در تخصیص سرمایه (وجوه) عمومی به طرف پروژه‌های بزرگ و سرمایه‌بر باشد. در این نمونه از انتخاب‌های ناسازگار، ممکن است پروژه‌های با بازگشت سیاسی بالاتر به هزینه‌ی پروژه-های با بازگشت اجتماعی و اقتصادی بالاتر انتخاب شوند (که این نتیجه‌ای از ناکارآمدی و اثر رشد پایین‌تر (یا شاید منفی) است). در این نمونه از تخصیص منابع تورش‌دار، فساد ممکن است به سطح‌های بالای غیرقابل تحمل از مالیه (دارایی) سرمایه گذاری عمومی هدایت شود که باعث افزایش هزینه‌ها در اثر قرض گرفتن عمومی می‌شود (که این نتیجه‌ای از افزایش تغییرپذیری و نرخ رشد کمتر در بلند مدت است.

فساد ترکیب مخارج دولت را توسط سیاست‌مداران فاسد به سمت فرصت‌های سودآورتر برای تأمین اهداف شخصی تغییر می‌دهد. در این زمینه می‌توان به پروژهای فیل سفید[2] که از لحاظ اقتصادی چندان سودمند نیستند اما برای شخصیت‌های سیاسی قدرتمند دارای منفعت زیادی می‌باشند اشاره کرد. فساد به صورت رشوه در تدارکات کالاها و خدمات

1. Tanzi
2. White Elephant

توسط دولت ظاهر می‌شود. این معضل با ساختار بازار ارتباط دارد و در بازارهای کمتر رقابتی گسترده تر می‌باشد (مائورو[1]، ۱۹۹۸).

کانال چهارمی که فساد می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد، سرمایه‌گذاری خصوصی در سرمایه‌ی انسانی است. که توسط وضعیت سال‌های آموزش یا وضعیت آموزشی اندازه گیری می‌شود. بنابراین فساد ممکن است رشد را از طریق انگیزه برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی کاهش دهد. فساد به اشکالی چون رانت جویی، برای رشد اقتصادی به شدت زیان‌بار است . زیرا انگیزه نخبگان جامعه را برای ابداع و نوآوری کاهش داده و با هدایت آن ها به سوی فعالیت‌های رانت جویانه و توزیعی، جامعه را از ظرفیت‌های خود محروم می‌کند.

۲-۲. مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات بسیاری در رابطه با فساد و تأثیر آن بر بسیاری متغیرها از جمله: تورم، سرمایه گذاری، رشد، پس انداز و. . . انجام گرفته است. ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی از ادبیات نظری غنی‌ای برخوردار است که این امر بیش از هر چیز ناظر به اهمیت قابل توجه فساد بر عملکرد اقتصادی است. در ذیل به چند مورد از این پیشینه و ادبیات اشاره خواهد شد. مطالعات به ترتیب زمان، در دو دسته داخلی و خارجی بررسی شده است.

۲-۲-۱. مطالعات داخلی انجام شده

صامتی و همکاران (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با هدف بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، با استفاده از سه مدل، سلب آزادی اقتصادی از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط را یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز گسترش فساد می‌دانند. نتایج برآوردهای تجربی که با کمک روش داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور و طی دوره چهار ساله (۲۰۰۳-۲۰۰۰)، انجام‌شده است، بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت؛ پول سالم؛ آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی‌معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است.

---

3. Mauro

لطیفیان (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی- سیاسی در کشورهای در حال توسعه» از فساد به عنوان یکی از عوامل مهم توسعه‌نیافتگی اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه یاد می‌کند و هزینه‌های امنیتی این پدیده و راهکارهای مناسب برای مقابله با این پدیده را شرح می‌دهد.

الوانی و همکاران(۱۳۸۹)، با بررسی استراتژی‌های بین‌المللی مبارزه با فساد، ۲۶ شاخص در قالب ۴ بخش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری برای تبیین استراتژی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است که در این بین شاخص‌های حوزه‌ی اداری دارای بیش‌ترین اهمیت بوده‌اند.

اصغر پور و همکاران(۱۳۹۰)، به بررسی در تأثیر فساد اداری بر نرخ پس انداز ناخالص ملی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا به تفکیک دو گروه کشورهای نفتی و غیر نفتی طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۳ پرداخته‌اند. نتایج تجربی تحقیق دلالت بر تأثیر مثبت و معنی‌دار شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) بر نرخ پس انداز ملی دارد. به طوری که یافته‌های تحقیق بیان‌گر این است که کشش نرخ پس انداز ناخالص ملی نسبت به شاخص ادراک فساد در گروه کشورهای نفتی نسبت به کشورهای غیر نفتی بیشتر بوده؛ بنابراین افزایش شاخص فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای نفتی نرخ پس انداز ناخالص ملی را به میزان بیشتری در مقایسه با کشورهای غیر نفتی افزایش می‌دهد. افزون بر این، یافته-های این مطالعه نشان می‌دهد که متغیر نرخ تورم تأثیر منفی و متغیرهای درآمد سرانه و رابطه‌ی مبادله تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ پس انداز ملی در این کشورها دارند.

۲-۲-۲. مطالعات خارجی انجام شده

گوپتا، داوودی و آلونسو ترمی[1] (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای با هدف بررسی ارتباط فساد با توزیع درآمد و فقر، به این نتیجه رسیده‌اند که فساد بالا و فزاینده، نابرابری درآمد و فقر را تشدید می‌کند و رشد اقتصادی، کارایی نظام مالیاتی، کارایی مخارج دولتی و تشکیل سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد.

1. Gupta, Davoodi and Alonso Terme.

حبیب و زوراویکی[1] (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای تأثیر فساد اداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۱۱۱ کشور در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۸ را بررسی کردند. آن‌ها در این مطالعه به این نتیجه رسیدند که فساد اداری تأثیر منفی و معنی‌دار بر سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی داشته و تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی ضعیف‌تر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. افزون بر این، تأثیر فساد اداری بر سرمایه‌گذاری در حضور متغیرهای درجه‌ی باز بودن تجارت و ثبات سیاسی کاهش می‌یابد.

هوانگ و وی[2] (۲۰۰۳)، نشان می‌دهند که به طور کلی در کشورهایی که سطح فسادشان بالاست، مقدار بهینه تورم بسیار بالاتر از مقداری است که در کشورها با سطح پایین فساد دنبال می‌شود. بنابراین، مقدار تورم ۱ تا ۴ درصد که در کشورهای صنعتی رایج است، عموماً هدفی نیست که توسط کشورهای در حال توسعه که فساد در آن‌ها گسترده است، دنبال شود. به اعتقاد آن‌ها نرخ ارز ثابت که اغلب به عنوان ابزار دولت در پایین نگه‌داشتن تورم تجویز می‌شود در کشورهایی با سطح بالای فساد با شکست مواجه می‌شود؛ البته کارهای تئوری اندکی هم وجود دارد که بیان‌گر آثار مثبت فساد در بهبود کارایی و افزایش رشد اقتصادی است.

پاتریک[3] و جیکوبز[4] (۲۰۰۷) با استفاده از روش داده‌های تابلویی بر اساس سیستم گشتاور تعمیم‌یافته۵ (GMM) به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی دولت در ۱۲ کشور خاورمیانه طی دوره‌ی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر آن است که مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات بر مشاغل آزاد نسبت به سایر مالیات‌ها بیشتر تحت آثار منفی فساد قرار دارند. در ضمن، مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم بیشتر به فساد واکنش نشان می‌دهند.

---

2. Habib and Zurawicki.

1. Huang and Wei.
2. Patrick A
3. Jacobs
4. Generalized Method of Moments.

بلک بورن و پول[1] (۲۰۱۱)، مدلی را ارائه می‌کنند که بر اساس آن اختلاس از درآمد حاصل از مالیات توسط نهادهای عمومی منجر می‌شود که دولت تکیه‌ی بیشتری بر حق الضرب و هزینه‌هایش داشته باشد. این امر موجب می‌شود که تورم افزایش‌یافته و رشد و سرمایه‌گذاری به واسطه فشار نقدینگی کاهش یابد. این مقاله اثرات فساد بوروکراسی بر رشد اقتصادی را از دیدگاه اداری بررسی می‌کند. فساد به عنوان اختلاس بر نهادهای عمومی که برای دولت هزینه‌بردار است مدل بندی می‌شود. ناچاراً دولت در این حالت مجبور می‌شود که به منابع دیگر مثل حق الضرب تکیه کند. این امر موجب افزایش تورم شده که به عنوان مالیات به مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار با خاصیت فشار نقدینگی عمل می‌کند. نتیجه در این حالت کاهش در تجمع سرمایه و رشد می‌شود.

پیرپونی و آگوستینگ[2](۲۰۱۳)، بیان می‌کنند که این پیش‌بینی که آزادی اقتصادی در کاهش فساد مفید است به صورت قوی و جهان‌شمولی در مطالعات تجربی یافت نشده است. به همین دلیل به بررسی این رابطه با استفاده از داده‌های شرکت در یک نظرسنجی کشوری- مقطعی می‌پردازند و استدلال می‌کنند که روش‌هایی که با استفاده از داده‌های کلان جمع شده‌اند قادر به توضیح مناسب آن نیستند. نتایج نشان می‌دهد که تا چه حد اثرات کلان در اقدامات (خرد) آزادی اقتصادی برای فساد، مشخص‌شده توسط درجه توسعه اقتصادی یک کشور، می‌تواند توضیح دهد که چرا فقدان سیاست‌های رقابت و مقررات دولتی ممکن است بازده فساد بیشتر باشد. تخمین‌ها برای آفریقا و نمونه اقتصاد گذار حدس آن‌ها را تأیید می‌کند.

پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات اشاره شده و نیز تحقیقات دیگر موجود در این زمینه دارای تفاوت‌هایی هم در زمینه دسته‌بندی کشورهای مورد آزمون، هم نمونه‌های کشورهای مورد بررسی، هم دوره‌ی زمانی مورد بررسی و هم شیوه آزمون است. در واقع یکی از نقاط ضعف مطالعات مربوط به موضوع فساد، عدم توجه به موضوع درون‌زایی[3] مسائل مربوط به فساد مالی و اقتصادی می‌باشد. روش پویای GMM نه تنها یک روش تخمین قوی نسبت به

5. Blackburn and Powell
1. Pieroni and G. d'Agostino.
2. Endogeneity

روش‌های قبلی مربوط به داده‌های پانل می‌باشد، بلکه این روش قدرت توضیح‌دهندگی مدل را افزایش می‌دهد.

۳. روش تحقیق

این بخش به نتایج حاصل از آزمون بررسی تأثیر شاخص درک فساد مالی[۱] بر رشد اقتصادی و تخمین و برآورد مدل‌ها اختصاص یافته است. داده‌های مورد مطالعه در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار STATA 12 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت دو مدل بر اساس روش گشتاورهای تعمیم یافته برآورد خواهد شد.

کشورها بر اساس آزادی اقتصادی بر مبنای آخرین اصلاحات (۲۰۱۳) به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند؛ بطوریکه گروه اول شامل کشورهای با آزادی اقتصادی بالا توسط شاخص آزادی اقتصادی $65 \leq x < 100$ دسته بندی شده‌اند، گروه دوم که کشورهای با آزادی اقتصادی متوسط هستند توسط شاخص آزادی اقتصادی $50 \leq x < 65$ و در نهایت گروه سوم که کشورهای با آزادی اقتصادی پایین هستند بصورت $0 \leq x < 50$ دسته بندی شده‌اند.

۳-۱. تصریح مدل[۲]

حضور متغیر وابسته‌ی با وقفه در مجموعه رگرسورها (متغیر توضیحی)، فرض این‌که رگرسورها با جمله اخلال نا همبسته هستند[۳] را نقض می‌کند و برآورد حداقل مربعات معمولی (OLS)[۴] در این صورت نباید به کار گرفته شود (Ebbes, 2007:8). به گفته

۱. این شاخص تحت عنوان شاخص درک فساد(Corruption Perception Index: CPI) توسط مؤسسه بین المللی شفافیت (Transparency International) و دانشگاهPassau کشور آلمان محاسبه می شود. این مؤسسه یک نهاد مدنی(Civil) است که در سال ۱۹۹۳ با هدف مبارزه با فساد تأسیس شد و در حال حاضر نزدیک به ۹۰ شعبه فعال و یا در شرف تأسیس در مناطق مختلف جهان دارد.

۲. به دلیل کوتاه بودن دوره زمانی مورد بررسی، یعنی ۱۲ سال، از انجام آزمون های ریشه واحد برای بررسی پایایی متغیرهای مدل خودداری شده است، وگرنه آزمون ریشه واحد برای مدل های Panel Data که دارای بعد زمانی می باشند، ضروری است.

2. exogeneity assumption
3. Ordinary least squares

ماتیاس و سوستر[۱]، برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد. بنابراین روش GMM توسط آرلانو و باند برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. این تخمین زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد. برای تخمین مدل به وسیله‌ی این روش لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری[۲] به‌کاررفته در مدل مشخص شوند. سازگاری تخمین زننده GMM به معتبر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله آزمون سارگان[۳] (از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند)، بررسی شود. عدم رد فرضیه‌ی صفر دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها است.

با توجه به ماهیت مدل در این تحقیق که متغیر وابسته با وقفه سمت راست معادله وجود دارد، به منظور تخمین معادله از مدل تلفیقی پویا استفاده می کنیم. یکی از منافع و کاربردهای داده های تلفیقی درک بهتر پویایی ها توسط محقق است. در مدل داده های ترکیبی پویا[۴]، همبستگی وقفه ی متغیر وابسته در سمت راست با جزء خطا در این مدل سبب می شود تخمین زننده‌ی OLS تورش دار و ناسازگار شود. برای تخمین مدل به وسیله ی این روش، لازم است ابتدا متغیرهای ابزاری به کار گرفته در مدل مشخص می شوند. متغیرهای ابزاری این مدل، مقادیر با وقفه ی متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی اند. روابط پویا با حضور متغیرهای وابسته وقفه دار در میان متغیرهای توضیحی مدل سازی می شوند:

$$\lg dp_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \lg dp_{it-1} + \alpha_2 cor_{it} + \alpha_3 trendcor_{it} + \beta X'_{it} + U_{it}$$

$$T,\ldots,t=1 \quad \text{و} \quad N,\ldots,i=1$$

۳-۲. متغیرهای کنترل

در این پژوهش علاوه بر متغیر شاخص درک کنترل فساد مالی، متغیرهایی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل بکار می روند. آزاد سازی تجاری و باز بودن اقتصاد (مجموع واردات و صادرات به gdp) یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. باز بودن اقتصاد

4. Matyas sevestre
5. Instrument Variables
1. Sargan test
2. Dynamic Panel Data

منجر به ارتقای تکنولوژی داخلی و کارآمدی فرآیند تولید و افزایش بهره وری می شود. در واقع، استدلال شده است که باز بودن تجارت بین المللی رشد صادرات را تحریک می کند، و در دسترس بودن واردات نهاده ها و ماشین آلات را تضمین می کند، در نتیجه شتاب توسعه فن آوری در اقتصاد و از این رو ترویج رشد اقتصادی را موجب می شود. ما انتظار داریم یک رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و OPEN برقرار باشد. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. این متغیر بر این اساس است که سرمایه گذاری مستقیم خارجی بالاتر نقش مهمی در آوردن فن آوری های جدید پیشرفته و همچنین مهارت های بازاریابی و مدیریت، داشته و از این رو به رشد اقتصادی کشور میزبان می انجامد. ما انتظار داریم یک رابطه مثبت بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی وجود داشته باشد. و در نهایت؛ از آنجا که رشد جمعیت موجب افزایش نیروی کار می شود، بطور سنتی یکی از عوامل رشد اقتصادی شناخته شده است.

۴. برآورد مدل و بحث

در این بخش ۲ مدل زیر در قالب داده‌های تابلویی برای طیف وسیعی از کشورها در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، به روش GMM برآورد می‌شود. فرم ریاضی برای تحقیق حاضر به صورت زیر تصریح شده است:

$$\lg dp_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \lg dp_{it-1} + \alpha_2 lfd_{it} + \alpha_3 open_{it} + \alpha_4 pop_{it} + \alpha_5 cor_{it}$$

$$\lg dp_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \lg dp_{it-1} + \alpha_2 lfd_{it} + \alpha_3 open_{it} + \alpha_4 pop_{it} + \alpha_5 trendcor_{it}$$

طبق تعریف متغیرهای الگو عبارتند از:

gdp [1]: تولید ناخالص داخلی سرانه [2]

cor: شاخص درک فساد مالی

fdic [2]: سرمایه گذاری مستقیم خارجی

trend: میانگین متحرک ساله فساد [1]

1. GDP per capita, PPP (current international $)

۲. تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان یک شاخص استاندارد زندگی معرفی می‌شود و به دلیل اینکه تمام شهروندان از افزایش تولید داخلی کشور منفعت می برند، در نتیجه نمادی برای رشد اقتصادی به کار برده می شود.

open: شاخص باز بودن تجاری pop [۳]: نرخ رشد جمعیت

به نظر ما خود شاخص درک فساد مالی به تنهایی نمیتواند معرف خوبی برای جلوگیری از فساد باشد.

در جدول ۱ نتایج برآورد تأثیر شاخص درک فساد و نیز میانگین ۵ ساله‌ی آن بر تولید ناخالص داخلی سرانه، برای دسته‌بندی کشورها بر اساس آزادی اقتصادی، به روش GMM پنل دیتای پویا برای حداقل ۲۵ و حداکثر ۷۸ کشور نشان داده شده است. بر اساس نتایج حاصله بر اساس گروه آزادی اقتصادی، فساد و میانگین ۵ ساله‌ی آن عاملی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورها هستند.

جدول ۱. نتایج تخمین گروه آزادی اقتصادی به روش GMM

	گروه اول		گروه دوم		گروه سوم	
متغیرهای از پیش تعیین شده	ضریب (ارزش احتمال)	ضریب (ارزش احتمال)	ضریب (ارزش احتمال)	ضریب (ارزش احتمال)	ضریب (ارزش احتمال)	ضریب (ارزش احتمال)
gdp_{t-1}	۰,۸۵ (۰,۰۰۰)	۰,۸۵ (۰,۰۰۰)	۰,۹۱ (۰,۰۰۰)	۰,۰۸۸ (۰,۰۰۰)	۰,۹ (۰,۰۰۰)	۰,۸۷ (۰,۰۰۰)
fdic	۰,۰۱۵ (۰,۰۰۰)	۰,۰۱۵ (۰,۰۰۰)	۰,۰۱۴ (۰,۰۰۰)	۰,۰۱۳ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۹۴ (۰,۰۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۰۰)
open	۰,۰۰۱۸ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۱۸ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۱ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۱ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۲۵ (۰,۰۰۰)	۰,۰۰۲ (۰,۰۰۰)
pop	-۰,۰۰۵۳ (۰,۰۰۰)	-۰,۰۰۶۳ (۰,۰۰۰)	-۰,۰۲۱ (۰,۰۰۰)	-۰,۰۱۶ (۰,۰۰۰)	-۰,۰۱۷۵ (۰,۰۵۸)	-۰,۰۱۷ (۰,۰۰۰)
cor	۰,۰۰۱۵ (۰,۰۰۳)	--- ---	-۰,۰۱۳ (۰,۰۰۰)	--- ---	-۰,۰۳۱۸ (۰,۰۰۰)	--- ---
trendcor	--- ---	۰,۰۰۲ (۰,۰۰۰)	--- ---	-۰,۰۰۷ (۰,۰۰۰)	--- ---	-۰,۰۲ (۰,۰۰۰)

۱. دلیل استفاده از این متغیر ضربدر متغیر شاخص درک فساد مالی به ما این امکان را می‌دهد تا دریابیم که آیا کشورها یک روند ۵ ساله را برای جلوگیری از فساد مالی دنبال کرده اند یا خیر؟ و اینکه آیا در این روند پایدار بوده اند یا خیر؟

4. Foreign direct investment, net inflows (BoP, current US$)
5. Population growth (annual %)

constant	۱,۰۴۵ (۰,۰۰۰)	۰,۹۵ (۰,۰۰۰)	۰,۴۶ (۰,۰۰۰)	۰,۶۴ (۰,۰۰۰)	۰,۶ (۰,۰۰۰)	۰,۷۸ (۰,۰۰۰)
آماره آزمون سارگان (ارزش احتمال)	۵۰,۴۸۳ (۰,۲۴)	۵۰,۳۰۶ (۰,۲۴)	۶۱,۷۸۶ (۰,۰۹)	۶۱,۴۷۸ (۰,۴۱)	۲۱,۶۲ (۰,۹۹۸۲)	۱۹,۹۰۷ (۰,۹۹۹)
تعداد کشورها	۵۳	۵۳	۷۸	۷۸	۲۵	۲۵
تعدادمشاهدات	۴۰۶	۴۰۸	۵۱۴	۵۱۶	۱۳۵	۱۳۶

منبع:یافته های پژوهشگر

در اینجا نیزضریب دو مدل در جدول ۱ تخمین زده شده است. در مدل اول متغیر شاخص درک فساد مالی (cor) در کنار سایر متغیرهای تأثیر گذار بر رشد اقتصادی در نظر گرفته شده و در مدل دوم متغیر میانگین ۵ ساله‌ی شاخص درک فساد مالی ضربردر خود شاخص درک فساد مالی (Trend×cor) در کنار سایر متغیرها آورده شده است. همانطور که از نتایج جدول فوق پیداست، تمام متغیرها در سطح ۹۵٪ معنی دار هستند.

در رابطه با مدل اول؛ در هر سه گروه مورد مطالعه، وقفه‌ی متغیر وابسته (تولید ناخالص داخلی سرانه)، همان‌طور که انتظار می‌رود، مثبت و معنی‌دار است. همچنین علامت مربوط به کلیه متغیرها با تئوری سازگار است. به عبارت دیگر یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه در دوره قبل، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، تولید ناخالص داخلی سرانه در دوره جاری را در گروه اول به میزان۰,۸۵درصد، گروه دوم ۰,۹۱ درصد و در گروه سوم ۰,۹ درصد افزایش می‌دهد که بیانگر تأثیر مثبت اثرات پویای تولید ناخالص داخلی سرانه بر تولید سال جاری است.

طبق تئوری، سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر سطح رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد که این تأثیر در هر سه گروه آزادی اقتصادی با ضرایب معنی دار مشاهده می شود. مدل نشان می دهد که در صورت تغییر یک درصدی در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی در گروه اول به اندازه‌ی ۰,۰۱۵ درصد، در گروه دوم ۰,۰۱۴ درصد و در گروه سوم به اندازه‌ی ۰,۰۰۹۴ درصد افزایش می یابد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر ترمیم شکاف پس انداز-سرمایه‌گذاری، از طریق انتقال تکنولوژی و ایجاد پی آمدهای خارجی و اثرات سرریز منجر به تسهیل فرآیند رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه

می‌شود. از آنجا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به سرمایه و اشتغال، صادرات و تولید می‌گردد امکان دسترسی به منابعی همچون مدیریت، نیروی کار ماهر، شبکه‌های تولید بین‌المللی و تأسیس نام‌های تجاری را فراهم می‌نماید و همچنین موجبات برخورداری از آثار سرریز و انتقال تکنولوژی را برای کشور میزبان فراهم می‌سازد، لذا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موتور رشد اقتصادی کشور میزبان محسوب گردد.

در رابطه با درجه باز بودن تجاری نیز می توان گفت که علامت این متغیر نیز با تئوری های اقتصادی سازگار بوده و ضرایب در هر سه گروه از نظر آماری معنی دار هستند بطوریکه نتایج تخمین مدل نشان می دهد که در صورت تغییر یک واحد در درجه باز بودن تجاری، رشد اقتصادی در گروه اول به اندازه‌ی ۰,۰۰۱۸ واحد ، در گروه دوم ۰,۰۰۱ و در گروه سوم به اندازه‌ی ۰,۰۰۲۵ واحد افزایش می یابد.

اما نکته‌ی اساسی در رابطه با ضرایب به‌دست آمده برای متغیر شاخص درک فساد است. از لحاظ آماری در هر سه گروه مورد مطالعه این شاخص معنی‌دار است؛ اما از لحاظ علامت بین گروه‌ها اختلاف وجود دارد.

طبق جدول شماره ۱ در گروه اول شاخص درک فساد مالی مثبت بوده و با افزایش یک واحد در این شاخص، رشد اقتصادی ۰,۰۰۱۵ واحد افزایش می‌یابد. آزادی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، فقدان مقررات اضافی بر نیروی کار، اعتبار و تجارت، شفافیت در عملکرد و قوانین دولت، وجود پول سالم، دستگاه قضایی مستقل و آزادی مبادله و تجارت با خارجیان سبب کاهش تمامی گونه‌های فساد مالی از جمله رشوه، اختلاس، اخاذی، تبعیض-گرایی، قوم‌گرایی و تقلب می‌گردد.

اگر افراد به راحتی بتوانند مجوزهای لازم برای انجام کارهای اقتصادی خود را بگیرند، در شرایط رقابتی قرار داشته باشند و دولت مکانیسم بازار را مختل نکرده باشد، فساد مالی تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

عدم نیاز به ارتباط با کارمندان دولتی برای انجام کارها و یا فقدان قوانین و مقررات سخت گیرانه سبب کاهش رشوه و تبعیض‌گرایی می‌گردد. تانزی معتقد است که در بسیاری موارد مقررات باعث ایجاد فساد مالی می‌گردد.

یکی از بخش های اصلی شاخص آزادی اقتصادی، اندازه‌ی دولت است. نقش دولت در فساد مالی بسیار تعیین کننده است.

گری بکر برنده جایزه‌ی نوبل اقتصاد در بیان افراطی و حدی می‌گوید: در صورت حذف دولت، فساد مالی از بین می‌رود (تانزی، ۱۹۹۸). این جمله با تعاریفی که از فساد مالی صورت گرفت کاملاً مطابقت دارد زیرا همانگونه که بیان شد؛ فساد مالی، استفاده از پست دولتی برای بدست آوردن منافع شخصی است و اگر بخش دولتی وجو نداشته باشد، فسادی صورت نمی‌گیرد. البته در شرایط واقعی، چنین امری محال است و بکر فقط در صدد بیان اهمیت فوق‌العاده دولت در ایجاد فساد است. از آنجا که انتظار حذف کامل دولت واقع بینانه نیست، انتظار حذف کامل فساد مالی نیز واقع بینانه نیست.

فساد مالی در جایی که محدودیت و مداخله دولت سبب ایجاد یک سود نامعقول می‌گردد، افزایش می‌یابد و همچنین ایجاد قدرت انحصاری برای کارمندان دولتی به منظور دادن مجوزهای مختلف به بخش خصوصی سبب می‌شود این کارمندان به آسانی از صدور مجوز امتناع کرده یا مدت زیادی کارفرمایان را معطل نگهدارند و تقاضای رشوه کنند. رز آکرمن معتقد است به هر مأموری منطقه نفوذ به طور مشخص تعریف شده ای را که در کنترل انحصاری او باشد، نباید داد بلکه باید حوزه‌ی اختیارات او را رقابتی کرد. چنانچه اگر کار ارباب رجوع توسط مأموری به خوبی انجام نشد، بتواند به مأمور دیگری رجوع کند. زمانی که تبانی مأمورین دولتی مشکل باشد، رقابت می‌تواند سطح رشوه را به صفر برساند(آکرمن[1]، ۱۹۷۸).

همانطور که قبلاً عنوان شد؛ گروه اول آزادی اقتصادی، کشورهایی را شامل می شود که آزادی اقتصادی در آنها بالا می باشد و طبق مطالب فوق؛ داشتن آزادی اقتصادی بالا باعث کاهش فساد مالی شده و این سبب افزایش رشد اقتصادی می شود. به همین خاطر در این گروه از کشورها، رابطه شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی مثبت بدست می‌آید.

در نمودار زیر بطور خلاصه مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر کاهش فساد مالی آورده شده است.

1. Ackerman

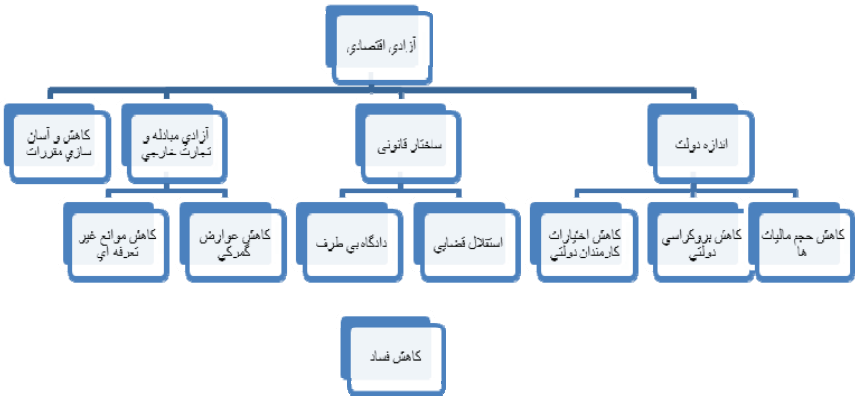

شکل۲. مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر کاهش فساد مالی

(منبع: صامتی و همکاران، ۱۳۸۵)

اما در گروه دوم آزادی اقتصادی، این تأثیر منفی بوده و با افزایش یک درصدی شاخص درک فساد مالی، رشد اقتصادی به اندازه‌ی ۰,۰۱۳ درصد کاهش می‌یابد. در گروه سوم نیز تأثیر این شاخص بر رشد اقتصادی منفی بوده به طوریکه با افزایش یک درصد در این شاخص، رشد اقتصادی ۰,۰۳۱۸ درصد کاهش می‌یابد.

محدودیت آزادی اقتصادی در زمینه‌ی امور مالیاتی و گمرکی و نرخ‌های مالیاتی بیش از حد، قدرت بیش از حد دولت و انحصارات دولتی در فعالیت‌های مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیت‌های مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیت‌های مختلف، فقدان شفافیت عمومی در عملکرد دولت، اختیارات خودسرانه‌ی گسترده و قدرت انحصاری مقامات دولتی سبب افزایش فساد مالی می‌گردد.

نکته مهم در اینجا این است که صرف اندازه و مداخله‌ی دولت نمی‌تواند عامل اثرگذاری در فساد مالی باشد، برای مثال اگرچه در کشورهایی مانند سوئد، دانمارک و نروژ اندازه‌ی دولت بسیار بزرگ است ولی میزان فساد مالی در این کشورها بسیار پایین است. نکته اساسی اینجاست که مداخله‌ی دولت هنگامی سبب افزایش فساد مالی می‌شود که دولت در ساز و کار بازار اختلال ایجاد کند و صف و بازار سیاه رواج پیدا کند.

محدودیت‌های تجاری، از دیگر عوامل مؤثر بر فساد مالی است که در شاخص آزادی اقتصادی به روشنی به آن اشاره شده است. اگر واردات کالاهای مهم مشروط به محدودیت زیادی باشد، مجوزهای لازم برای واردات، بسیار با ارزش می‌شود و برخی واردکنندگان و دست‌اندرکاران بازرگانی خارجی را به فساد مالی ترغیب می‌کنند از سوی دیگر، این محدودیت های تجاری، ریشه انحصار در صنایع داخلی شده و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن انحصار، تعرفه‌های بالایی بر واردات تحمیل خواهند کرد (مائورو، ۱۹۹۷).

عامل دیگر مؤثر بر فساد مالی، وجود حقوق گمرکی است که نتیجه‌ی آن قاچاق کالاست. از آنجا که معمولاً گمرک فرآیندی پر هزینه و پیچیده بر سر واردات قانونی کالاست، سبب کاهش آزادی اقتصادی و افزایش فساد مالی می‌گردد.

گری بکر با توجه به تحلیل کلاسیک جلوگیری از جرم، معتقد است که مجازاتها نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم دارد و افزایش مجازات ها باعث کاهش فساد مالی می شود. بنابراین قوانین جزایی و کیفری، ساختار قانونی قوی و وجود دادگاه های مستقل، عوامل مهمی در تعیین دامنه‌ی فساد مالی هستند.

نبود شفافیت در قواعد و فرایندها، زمینه‌های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. توجه به نوع و شدت مقررات اعتبار کار و تجارت در شاخص آزادی اقتصادی از دیگر متغیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی است.

حال با توجه به آنکه گروه دوم و سوم دسته بندی شده بر اساس شاخص آزادی اقتصادی، دارای آزادی اقتصادی متوسط و پایین هستند، به عبارت دیگر این گروه ها کشورهایی را شامل می‌شوند که از لحاظ آزادی اقتصادی در سطح بالایی نیستند، و طبق مطالب فوق، می‌توان عنوان داشت که داشتن آزادی اقتصادی متوسط و پایین باعث افزایش فساد مالی شده و این سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. به همین دلیل در این دو گروه، رابطه‌ی شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی منفی است.

البته باید این نکته را متذکر شد که هرچند این تأثیرگذاری در هر دو گروه (متوسط و پایین) منفی است اما درصد تأثیرگذاری در این گروه‌ها متفاوت است. بطوریکه در گروه دوم (با آزادی اقتصادی متوسط)، یک واحد افزایش در شاخص درک فساد مالی باعث می شود تا رشد اقتصادی به میزان۰,۰۱۳ واحد کاهش یابد اما در گروه سوم (با آزادی اقتصادی

پایین) یک واحد افزایش در شاخص درک فساد مالی باعث کاهش رشد به میزان ۰٫۰۳۱۸ واحد می‌شود و این بدین معنی است که در گروه سوم آزادی اقتصادی تأثیرگذاری فساد بر رشد به نسبت بیشتر است تا در گروه دوم آزادی اقتصادی.

برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده می‌شود. همان طور که قبلاً گفته شد آماره سارگان (۱۹۵۸) از محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به‌کاربرده می‌شود. برای اینکه ابزارها معتبر باشند، باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود داشته باشد. فرضیه صفر این آزمون این است که ابزارها تا آنجا معتبر هستند که با خطاها در معادله‌ی تفاضلی مرتبه اول همبسته نباشند. رد نشدن فرضیه صفر می‌تواند شواهدی دال بر مناسب بودن ابزارها فراهم آورد. در این حالت متغیرهای ابزاری استفاده‌شده با پسماندها همبسته نیستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ابزارهای مورد استفاده برای برآورد از اعتبار لازم برخوردارند. طبق توضیحات ارائه‌شده و نتایج مندرج در جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که ابزارهای مورد استفاده در تخمین مدل برای گروه آزادی اقتصادی از اعتبار لازم برخوردارند و با اطمینان کامل می‌توان نتایج را تفسیر کرد.

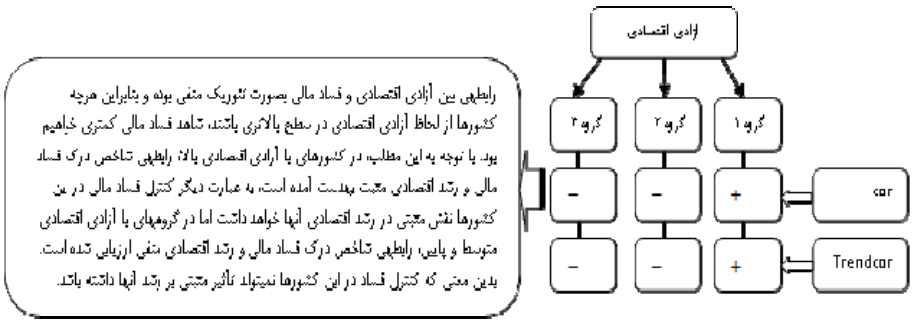

شکل۳. خلاصه نتایج. منبع:یافته های پژوهشگر

در جدول ۲ در رابطه با مرتبه خود همبستگی جملات اختلال بر اساس آماره‌ی آرلاندو و باند مورد آزمون قرار گرفته است. از آنجایی که روش تفاضل گیری مرتبه اول در صورتی روش مناسبی است که مرتبه‌ی خود همبستگی جملات اختلال از مرتبه‌ی دو نباشد. نتایج

بررسی مرتبه‌ی خود همبستگی بین جملات اختلال تفاضل گیری شده در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول۲. نتایج آزمون آرلاندو- بوند برای تعیین مرتبه خود همبستگی جملات اختلال گروه آزادی اقتصادی

		گروه اول		گروه دوم		گروه سوم	
	مرتبه خودهمبستگی	مقدار آماره آزمون Z	ارزش احتمال	مقدار آماره آزمون Z	ارزش احتمال	مقدار آماره آزمون Z	ارزش احتمال
مدل ۱	۱	-۴,۲۸	۰,۰۰۰	-۲,۸۱	۰,۰۰۴	- ۲,۲۸۳۸	۰,۰۲۲۴
	۲	۰,۰۱۲	۰,۹۹	-۰,۲۲۸	۰,۸۱	- ۱,۷۰۹۶	۰,۰۸۷۳
مدل ۲	۱	-۴,۲۵	۰,۰۰۰	-۲,۸۷	۰,۰۰۴	- ۲,۳۸۷۸	۰,۰۱۶۹
	۲	-۰,۰۱۵	۰,۹۸	۰,۱۱۷۳	۰,۹	- ۱,۳۵۱۶	۰,۱۷۶۵

منبع:یافته های پژوهشگر

همانطور که از نتایج جدول فوق پیداست، مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه یک بوده؛ در نتیجه روش آرلانو و باند روش مناسبی است و لذا مدل برآورد شده روش مناسبی برای تخمین مدل بوده و دارای تورش تصریح نیست.

۵. نتیجه گیری

اقداماتی در خصوص کاهش وقوع فساد و ارتقای ویژگی همگرایی به صورت کلی در مرکز هماهنگی خط‌مشی و توصیه خط‌مشی تحت مدیریت سازمانهای بین‌المللی مانند ایالات متحده، بانک جهانی، FMF و وزارتخانه‌های دولتی دخیل در موضوعات توسعهٔ بین‌الملل مانند وزارت توسعهٔ بین‌المللی بریتانیا (DFID) وجود داشته است. تحقیق اولیه در مورد رابطهٔ فساد – رُشد بیانگر آنست که فساد احتمالاً ناشی از آیین نامه و مداخله مفرط دولت می‌باشد که شرکتها یا افراد را وادار به رشوه از مقامات دولتی برای «انجام دادن کارها» می‌کند. در چنین وضعیتی فساد احتمالاً تأثیر مثبتی بر رُشد اقتصادی دارد، همچنانکه به شرکتها و افراد امکان مشارکت در فعالیتهای کاملاً سودمند اقتصادی علی‌رغم میزان بالای و قفسهٔ بروکراسی و قوانین «نامناسب» را می‌دهد. هرچند میردال اظهار داشت که انحرافاتی

که عوامل خصوصی تلاش دارند از طریق آن بر فساد غلبه کنند نباید به عنوان مقرّر تلقی شود.

در گروه کشورهای با آزادی اقتصادی بالا، کنترل فساد مالی به سود رشد اقتصادی عمل کرده و باعث افزایش آن می‌شود. دلیل این امر را می‌توان اینگونه عنوان کرد که طبق مبانی تئوریک ارائه شده در فصل چهارم، هرچه آزادی اقتصادی در سطح بالاتری باشد، فساد مالی کاهش می‌یابد در واقع آزادی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، فقدان مقررات اضافی بر نیروی کار، اعتبار و تجارت، شفافیت در عملکرد و قوانین دولت، وجود پول سالم، دستگاه قضایی مستقل و آزادی مبادله و تجارت با خارجیان سبب کاهش تمامی گونه‌های فساد مالی از جمله رشوه، اختلاس، اخاذی، تبعیض‌گرایی، قوم‌گرایی و تقلب می‌گردد و نیز عدم نیاز به ارتباط با کارمندان دولتی برای انجام کارها و یا فقدان قوانین و مقررات سخت گیرانه سبب کاهش رشوه و تبعیض‌گرایی می‌گردد. تانزی معتقد است که در بسیاری موارد مقررات باعث ایجاد فساد مالی می‌گردد. بنابراین رابطه‌ی مثبت بین شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی در گروه اول آزادی اقتصادی واضح است. مدل دوم ارائه شده نیز این نتایج را تأیید می‌کند بطوریکه پایداری در سیاست‌های کنترل فساد مالی در گروه با آزادی اقتصادی بالا منجر به رشد اقتصادی بیشتری می‌شود. به عبارت دیگر رابطه-ی بین پایداری در کنترل فساد و رشد اقتصادی مثبت است.

اما در گروه دوم و سوم طبقه‌بندی شده بر اساس آزادی اقتصادی که از لحاظ این شاخص در سطح متوسط و پایین هستند، کنترل فساد مالی باعث کاهش رشد اقتصادی شده و این نتیجه‌ای است که با توجه به دلایل ارائه شده در گروه اول دور از انتظار نیست. وجود شاخص آزادی اقتصادی پایین در این گروه ها به معنای محدودیت آزادی اقتصادی در زمینه‌ی امور مالیاتی و گمرکی و نرخ‌های مالیاتی بیش از حد، قدرت بیش از حد دولت و انحصارات دولتی در فعالیت‌های مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیت‌های مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیت‌های مختلف، فقدان شفافیت عمومی در عملکرد دولت، اختیارات خودسرانه‌ی گسترده و قدرت انحصاری مقامات دولتی است که سبب افزایش فساد مالی می‌گردد. وجود محدودیت‌های تجاری به معنای شاخص آزادی اقتصادی پایین است بنابراین اگر واردات کالاهای مهم مشروط به محدودیت زیادی باشد،

مجوزهای لازم برای واردات، بسیار با ارزش می‌شود و برخی واردکنندگان و دست‌اندرکاران بازرگانی خارجی را به فساد مالی ترغیب می‌کنند از سوی دیگر، این محدودیت های تجاری، ریشه‌ی انحصار در صنایع داخلی شده و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن انحصار، تعرفه‌های بالایی بر واردات تحمیل خواهند کرد (مائورو، ۱۹۹۷).

عامل دیگر مؤثر بر فساد مالی، وجود حقوق گمرکی است که نتیجه‌ی آن قاچاق کالاست. از آنجا که معمولاً گمرک فرآیندی پر هزینه و پیچیده بر سر واردات قانونی کالاست، سبب کاهش آزادی اقتصادی و افزایش فساد مالی می‌گردد. همچنین نبود شفافیت در قواعد و فرایندها، زمینه‌های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. توجه به نوع و شدت مقررات اعتبار کار و تجارت در شاخص آزادی اقتصادی از دیگر متغیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی است.

حال با توجه به آنکه گروه دوم و سوم دسته بندی شده بر اساس شاخص آزادی اقتصادی، دارای آزادی اقتصادی متوسط و پایین هستند، به عبارت دیگر این گروه ها کشورهایی را شامل می‌شوند که از لحاظ آزادی اقتصادی در سطح بالایی نیستند، و طبق مطالب فوق، می‌توان عنوان داشت که داشتن آزادی اقتصادی متوسط و پایین باعث افزایش فساد مالی شده و این سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. به همین دلیل در این دو گروه، رابطه‌ی شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی منفی است. مدل دوم نیز این نتایج بدست آمده را تأیید می‌کند.

منابع

- اصغر پور، حسین. سلمانی. فشاریو دهقانی. (۱۳۹۰). تأثیر فساد اداری بر نرخ پس انداز ناخالص ملی کشورهای منطقه‌ی MENA (رهیافت داده های تابلویی پویا). فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۳، ص ۹۹-۱۲۱.
- الوانی،مهدی ، سعید و عرب سرخی. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران. نشریه مدیریت دولتی، دوره ۲، شماره ۴، ص ۳-۲۲.
- برومند, شهرزاد (۱۳۸۷). فساد, سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی(مطالعه موردی :ایران). فصلنامه اقتصاد مقداری(بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۵, شماره ۲, تابستان, صفحات ۱۰۷-۱۲۹.
- تقوی، مهدی، نیکومرام، غفاری و طوطیان (۱۳۹۰)، رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک، مجله پژوهشگر (مدیریت)، سال ۸، شماره ۲۱، صص ۸۸-۱۰۳.

- جانسون، بریان. هولمز، کیم و پاتریک، ملانی کرک. (۱۳۷۹). شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹. ترجمه ئ تلخیص: امین، محمد ابراهیم. مجله برنامه و بودجه. شماره ۴۸. ص ۱۰۵-۱۳۴.
- صامتی، مرتضی. شهنازی، روح اله و دهقانی شبانی، زهرا. (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۸، ص ۸۷-۱۰۵.
- صباحی احمد، و ملک الساداتی سعید (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره۵۳، ص ۱۳۱- ۱۵۸.
- لطیفیان، سعیده.(۱۳۸۵). پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی-سیاسی در کشورهای در حال توسعه. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱، ص ۱۸۷-۲۱۹.

- Ackerman, Rose, S. (1996). The Political Economy Of Corruption: Causes End Consequences. World Bank
- Bond, Arellano, M and S (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. The Review of Economic Studies, 58, 277–297
- Blackburn, Keith. Powell، Jonathan. (2011). Corruption, inflation and growth Economics Letters 113. pp 225–227
- Ebbes, Peter. (2007). A non-technical guide to instrumental variables and regressor-error dependencies. Penn State University, University Park, PA 16802, USA.
- Lho, K. and Cabuay, J. (2005). Corruption in the Korean public and private sectors. In Nicholas Tarling (Ed.), Corruption and Good Governance in Asia, New York, Routledge
- Mauro, P. (1996). The Effects of Corruption on Growth, Investment and Government Expenditure. IMF Working Papers 96/98.
- Patrick A and Imam Jacobs DF, (2007). Effect of corruption on tax revenues in Middle East countries, Working Paper WP/07/270. Washington DC: IMF.
- Pieroni, L. d'Agostino. G. (2013). Corruption and the effects of economic freedom. European Journal of Political Economy, 29. PP 54–72
- Tanzi, V. , (1998). Corruption around the world:causes, consequences, scope, and cures. IMF Staff Papers, 45(4), pp. 559–94

- Toke, A. , (2009). Corruption, Institutions, and Economic Development. Oxford Review of Economic Policy, vol. 25, Issue 2, pp 271-291.